

## نظری اجمالی بر روند توسعه صنعت در استان خراسان

### مقدمه

اگر این ادعا درست است که جامعه ای باید در برابر خواسته ها و رفاه اعضای خود پاسخگو باشد کلمه « توسعه » تمامی طیف تغییرات ضروری برای نیل به این هدف را در بر می گیرد. مجموعه تغییرهاست که موجب می گردد یک نظام اجتماعی از شرایط خاصی از زندگی که نامطلوب تشخیص داده می شود، به سوی شرایط بهتر حرکت کند. این تغییرات از طریق مجموعه ای از هدفهای اجتماعی و با یک رشته فرآیندهایی انجام می گیرد. فرآیندهای عمده ای که در این تغییرات نقش دارند عبارتند از فرآیندهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که علی رغم وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متفاوت جامعه های گوناگون، همه آنها مجموعه هدفهای اجتماعی همسان دارند و تنها تفاوت آنها اولویتی است که به هر یک از این اهداف تعلق می گیرد. از این رو جهت تغییرات مختلف توسعه ملی یکی است.

بطور کلی در امد توسعه اقتصادی می توان دو دسته نیروهای غالب را به عنوان عوامل مؤثر بر رشد برشمرد. دسته اول عوامل اقتصادی شامل منابع طبیعی، سرمایه، نیروی کار که تکیه بر امکانات بالقوه پتانسیلهای منطقه ای دارد و دسته دوم عواملی غیر اقتصادی که تعلیم و تربیت بطور اعم و یا بطور اخص تمام تلاشهایی که در جهت توسعه علمی و تکنولوژیکی انجام می گیرد. علاوه بر آن گزینش صنایع در یک کشور و استان متضمن فرآیند تصمیم گیری در مورد برنامه های ملموس و مشخص توسعه در سطح ملی است. این فرآیند مستلزم برآورد جامع و همه جانبه از نیازهای ملی و قابلیتها و با توجه به مقتضیات اقتصادی و اجتماعی و نیز منابع انسانی، تکنولوژیکی و طبیعی است که چنانچه برنامه اقتصادی در سطح ملی را نماینده

خصلت‌های برنامه منطقه‌ای تصور کنیم، نقش مسوولان و برنامه ریزان در هر ناحیه و پارامترهای مورد توجه آنان مشخص می‌گردد.

### وضعیت موجود صنعت در استان خراسان

استان خراسان با مساحتی معادل ۳۱۴ هزار کیلومتر مربع (۵/۱ مساحت کل کشور) قابلیت‌های طبیعی متنوعی در ابعاد ۷۵۰×۴۰۰ کیلومتر و در قالب تقسیمات منطقه‌ای به بیست و یک شهرستان با جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر ایجاد نموده به نحوی که بسیاری از فعالیتهای اقتصادی را در خطه پهناور با مرزهای مشترک با کشورهای افغانستان و ترکمنستان به میزان ۱۳۷۰ کیلومتر ساخته است.

بخش کشاورزی استان طیف گسترده‌ای از انواع محصولات گرمسیری و سردسیری، آبی و دیم، متناسب با آب و هوای خشک یا مرطوب ۰۰۰ را شامل می‌شود بنحوی که برخی محصولات نظیر زعفران و زرشک نه تنها تولیدات انحصاری این استان می‌باشد که در سایر کشورهای جهان نیز جایگاه ممتازی دارند. وجود مرقد مطهر حضرت رضا (ع) در شهرستان مشهد منشاء فیوضات معنوی و مادی است که بازار پر مصرف انواع کالاها و خدمات فراهم شده برای دوازده میلیون زائر در سال، علاوه بر ساکنین شهر از جمله آثار مطلوب آن است تا جایی که می‌توان ادعا نمود در این شهرستان خدمات بیشترین درصد فعالیتهای اقتصادی را به خود اختصاص داده، درصد مذکور بیش از درصد بخش خدمات در درآمد ملی است. پایه‌های اصلی اقتصاد هر کشور را منابع و ذخائر معدنی بالقوه آن تشکیل داده و مهمترین عامل در استراتژی رشد اقتصادی هر کشور را می‌توان در گرو آن دانست. استان خراسان از جمله غنی‌ترین استانهای کشور در زمینه معدن بوده که وجود معادنی چون پنبه نسوز، مس، ذغال کک مورد استفاده در صنایع فولاد، سنگ آهن و منسوزها و گاز طبیعی از جمله کانیها شناسائی شده اند که هم اکنون مورد بهره برداری قرار می‌گیرند و پتانسیل مناسبی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی استان به شمار می‌آیند. توسعه اقتصادی و صنعتی بدون در نظر گرفتن نقش نیروی انسانی در فرآیند تولید امری غیر محتمل است. استان خراسان به لحاظ وجود امکانات دانشگاهی از جایگاه نسبتاً ممتازی از نظر کیفیت نیروی انسانی بر خوردار است به نحوی که می‌توان پارامتر مذکور را در رشد و توسعه اقتصاد به عنوان عامل تسریع کننده ارزیابی و منظور نمود.

شکوفایی اقتصادی زمانی میسر می‌گردد که مردم به اهداف اقتصادی خود نایل آیند بنابراین سیاستها و برنامه‌ها می‌باید در این راستا تدوین گردند و رهاسازی افراد از بند گریبانگیر آنان جهت پرداختن به اموری که رشد اقتصادی را باعث گردد از جمله تدابیر دولتها خواهد بود عوامل سد کننده و تنگناها در تمامی کشورها و حتی مناطق یک کشور یکسان نیست و ممکن است مشکلات ناشی از عوامل طبیعی، زیر بنایی یا ساختاری باشد که شناسائی و رفع این تنگناها عمده ترین وظیفه‌ای است که می‌توان برای برنامه ریزان و دولت مردان هر کشور متصور بود به نحوی که ابتکار بخش خصوصی برانگیخته شده و فضای نوآوری توسعه یابد. رشد و توسعه صنعتی عوامل متعددی طلب می‌کند که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در سالهای اخیر بیشتر داده‌ها و ستاده‌های واحدهای تولیدی مورد توجه مسوولان و برنامه ریزان بوده است (تأمین مواد اولیه - آمار تولیدات) استان خراسان علی‌رغم جذابیت‌های طبیعی، به لحاظ دوری از مبادی ورودی و خروجی کالا از یکسو و فقدان فرهنگ صنعتی و مطلوب بودن خدمات از طرف دیگر در زمینه صنعت از رشد قابل قبول برخوردار نبوده است و ده کارخانه قند با عمر متوسط بیشتر از ۲۵ سال، کارخانجات عمده استان را تشکیل می‌دهند و تلاشهای مطلوب مسوولان و برنامه ریزان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت جذب صنعت اگر چه از نظر کمی قابل ستایش نبوده است لیکن عدم استراتژی مشخص در بخش صنعت و مشکلات و تنگناهای اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی نتایج مطلوب را عاید نساخته است که امید می‌رود در جهت ترمیم فرصتهای از دست رفته امکان استقرار صنایع عمده و رفع مشکلات طرحهای موجود فراهم گردیده و این بخش عمده اقتصادی از جایگاه مناسبی برخوردار گردد.

استان خراسان تنها ۷/۷۵ درصد کل کارگاههای بزرگ صنعتی را در سال ۱۳۶۵ بخود اختصاص داده<sup>۱</sup> و شاغلین بخش کارگاههای بزرگ صنعتی خراسان نسبت به کل کشور برابر ۴/۶۶ درصد بوده است، ارزش کل تولیدات صنایع فوق حدود ۱۰۶ میلیارد ریال می‌باشد که در کل ۵ درصد کل ارزش تولیدات مشابه در سطح کشور را تشکیل می‌دهد، میزان ارزش افزوده این واحدها در خراسان کمی بیش از ۴۶ میلیارد ریال بوده که حدود ۴/۵ درصد موارد مشابه در سطح کشور است. این وضعیت و عقب افتادگی نسبی باعث گردیده تا استان نتواند

جایگاه مستحکمی را در اقتصاد کشور به خود اختصاص دهد. به همین دلیل خراسان در مقام پایین تری قرار گرفته است. با توجه<sup>۱</sup> به عدم تعادل در توزیع فضای صنایع در سطح استان که باعث گردیده ۷۳ درصد کارگاههای صنعتی در مشهد و فقط ۲۷ درصد در سایر شهرستانهای استان متمرکز گردد. این وضعیت باعث گردیده تا مرکز استان به صورت بی قاعده ای رشد نموده و سایر نقاط در وضعیت نا مصلوبی به سر ببرند.

صنایع غذایی و نساجی نزدیک به ۵۰ درصد کل صنایع استان را به خود اختصاص داده و اما صنایع بنیادی همچون متالورژی و صنایع مربوطه از رشد کمتری برخوردارند و در مقابل صنایع ریخته گری و ذوب فلزات از رشد و توسعه کمتری بهره مندند. کارگاههای صنعتی استان که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند، ۸۶ درصد از کل صنایع را به خود اختصاص داده اند در صورتی که تعداد کارگاههایی که بین ۵۰ تا ۵۰۰ نفر کارگر دارند ۱۲/۹ درصد و کارگاههایی که بیش از ۵۰۰ نفر تنها ۱/۱ درصد کل کارگاههای صنعتی را شامل می شوند. بر اساس آمار اداره کل کار و امور اجتماعی استان در سال ۱۳۶۹ از مجموع ۱۲۱۸۷ کارگاه تولیدی خراسان (صنایع بزرگ و کوچک و کارگاهی) نزدیک به ۹۵/۵ درصد کارگاهها بین ۱ تا ۹ نفر کارگر و ۴/۵ درصد کارگاهها بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند، که وضع مایوس کننده ای را نشان می دهد. ضمناً میزان بهره وری در کارگاههای استان ۱۶۳۰ ریال برای هر نفر می باشد که در مقایسه با کل کشور رتبه نهم را شامل می شود.

تعداد موافقتهای اصولی صادره در طول برنامه اول از سال ۱۳۶۸ لغایت نیمه اول ۱۳۷۲ بالغ بر ۲۵۰۰ فقره با سرمایه ای معادل ۱۳۵۰ میلیارد ریال و اشتغال یک صد هزار نفر می باشد.

تعداد پروانه های تاسیس (واحدهایی که به تولید رسیده اند) در طول برنامه اول بالغ بر ۲۷۴ فقره با سرمایه ای معادل ۱۳۸ میلیارد ریال و اشتغال حدود ده هزار نفر می باشد که مبین این واقعیت است که فقط ده درصد موافقتهای اصولی در طول برنامه اول به تولید رسیده اند. تعداد واحدهای فعال استان<sup>۲</sup> برابر با ۱۳۸۰ واحد که تقریباً برابر ۴/۸۳ درصد از کل واحدهای فعال کشور را با سرمایه ای ثابت ۱۸۴/۱ میلیارد ریال (۸/۶ درصد کل کشور) و

۱. آمار نقشه های استانی بخش صنعت و معدن.

۲. روزنامه قدس دوشنبه ۲۶/۷/۷۲.

اشتغال ۴۴۰۰۰ نفر (۶/۴ درصد کل کشور) تشکیل می دهد. به عبارتی سرمایه گذاری صنعتی سرانه کشور از ۳۶/۷ هزار ریال به ۲۸/۸ هزار ریال در استان کاهش یافته، درصد اشتغال کشور نیز در بخش صنعت از ۱/۱۸ به ۰/۷ درصد تنزل یافته است. به همین دلیل استان خراسان با قرار گرفتن در رتبه چهاردهم تنها از استانهای همدان، آذربایجان غربی، کرمانشاهان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، کردستان، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد در رده بالاتری قرار دارد.

عمده ترین صنعت استان را صنایع تبدیلی کشاورزی شامل کارخانجات قند، کنسروسازی، فرآورده های لبنی و گوشتی، کنسانتره و آبمیوه و آرد تشکیل می دهند که بیش از ۱۸ درصد تولیدات کشور در این زمینه به استان خراسان اختصاص داشته و درصد فوق در زمینه صنعت قند به ۴۳ درصد می رسد.

صنایع دیگر استان را عمدتاً کارخانجات نساجی شامل ریسندگی و بافندگی پنبه و الیاف مصنوعی و تولید... فاستونی و فرش ماشینی، چرم و همچنین کانیهای غیر فلزی شامل کارخانجات سیمان، لوله و کارخانجات مصالح ساختمانی و چینی مظروف چینی بهداشتی و لعاب تشکیل می دهند.

در زمینه صنایع شیمیایی و فلزی و برق و الکترونیک و سلولزی می توان به کارخانجات تولید کننده سرم، لنت ترمز، سود و کلر و چسب و رنگ و اکسیدمنیزیم و الکتروود جوشکاری اشاره نمود.

کارخانجات استان خراسان در طول برنامه اول با حدود ۷۰ درصد ظرفیت تولید نموده اند که برگزیده ای از تولیدات استان و ارزش داخلی آن طبق جدول شماره ۱ می باشد و جدول شماره ۲ نیز رشد صنایع، سرمایه گذاری و اشتغال را در سالهای مختلف نشان می دهد.

جدول شماره ۱- میزان تولید و ارزش داخلی آن در طول برنامه اول در استان خراسان

ارزش داخلی تولید (میلیارد ریال)	واحد	میزان تولید در برنامه اول	نوع تولید
۵۳۵	تن	۹۷۴/۴۶۸	قند و شکر
۲۶	تن	۲/۳۸۵/۰۰۰	سیمان
۱۴۴	تن	۱/۵۰۰/۰۰۰	آرد
۷	تن	۷۰/۳۶۵	روغن نباتی
۲۸	تن	۱۵/۵۰۰	کنسانتره میوه
۳۹	تن	۶۲/۰۰۰	آبمیوه
۲۱۷	تن	۲۴۹۰۰۰	رب گوجه فرنگی
۸۳	تن	۱۶۱۴۰	نخ اکریلیک
۸۰	دستگاه	۶۹۳/۰۰۰	بخاری و آبگرمکن
۴۷	متر	۱۴/۵۰۰/۰۰۰	فاستونی
۱۲۰۶			جمع

ماخذ: روزنامه قدس دوشنبه ۲۶ مهرماه ۱۳۷۲

جدول شماره (۲) توزیع صنعت در سالهای مختلف (میلیون ریال - نفر) در استان

۱۳۵۸			۱۳۵۷			
اشتغال	سرمایه	تعداد	اشتغال	سرمایه	تعداد	نام صنعت
۴۱۴	۱۱۳۹/۳۹۳	۵	۲۹۰۰	۲۴۹۷/۷۹۵	۴۲	نساجی
۵۰۰	۱۴۴۷/۷۵	۱۳	۹۹۱۸	۴۴۲۱/۵۹	۷۰	غذایی
۱۶۴	۱۳۶/۵	۷	۱۰۴۵	۱۲۷۲	۱۱	فلزی، برق و الکترونیک
۶۱	۲۵۶/۷۱۷	۷	۲۰۰	۲۱۴/۳	۷	شیمیایی
۱۴۹	۱۸۰/۴	۷	۱۵۸	۳۳۸/۶۴۳	۷	سلولزی
-	-	۱	۳۰۷	۲۸۰۶/۷۵	۲	کانی غیر فلزی
۱۲۸۸	۳۱۶۰/۷۶	۴۰	۱۴۵۲۸	۱۵۵۱/۰۷۸	۱۳۹	جمع
۱۳۶۰			۱۳۵۹			
اشتغال	سرمایه	تعداد	اشتغال	سرمایه	تعداد	نام صنعت
۳۱۱	۸۷۲/۰۵	۲۱	۸۷۲	۷۳۵/۴	۱۱	نساجی
۵۸۳	۱۳۰۲/۴	۱۷	۲۷۵	۴۵۳/۴۲۱	۱۳	غذایی
۳۰۱	۶۰۰/۶۸۳	۲۳	۸۷	۴۴/۲۶	۹	فلزی، برق و الکترونیک
۵۰	۱۷۱/۵۲۸	۶	۸۸	۱۴۴/۷۷	۶	شیمیایی
۵۴	۷۲/۲۵	۷	۵۸	۴۵/۸	۵	سلولزی
-	-	-	۲۴	۲۹/۴۷	۱۰	کانی غیر فلزی
۱۲۹۹	۳۰۱۸/۹۱۱	۷۴	۱۴۰۴	۱۴۵۳/۱۲۱	۴۵	جمع
۱۳۶۲			۱۳۶۱			
اشتغال	سرمایه	تعداد	اشتغال	سرمایه	تعداد	نام صنعت
۱۴۲۳	۲۹۵۰/۱	۲۹	۶۰۸	۱۱۰۶/۴۳۲	۲۶	نساجی
۴۱۶	۱۹۷۸/۰۴	۲۵	۱۶۹۵	۲۴۷۲/۴۱	۱۶	غذایی
۱۰۶۹	۴۱۷۶/۵۵۵	۲۰	۳۵۲	۷۳۲/۷۴۸	۲۷	فلزی، برق و الکترونیک
۵۲۲	۲۴۲۷/۷۷۸	۱۸	۳۲۵	۲۳۵۴/۵۹۷	۱۹	شیمیایی
۲۴۶	۴۴۱/۲۹۴	۲۹	۲۰۴	۴۱۱/۸۶	۱۶	سلولزی
۵۵۹	۲۰۸۳/۱۴۵	۲۱	۴۹۴	۱۹۱۰/۷۴	۱۸	کانی غیر فلزی
۴۲۳۵	۱۴۰۵۶/۹۱۲	۱۲۲	۳۶۷۸	۸۹۸۸/۷۸۷	۱۲۲	جمع

ادامه جدول شماره ۲ - توزیع صنعت در سالهای مختلف (میلیون ریال - نفر) در استان

۱۳۶۴			۱۳۶۳			نام صنعت
اشتغال	سرمایه	تعداد	اشتغال	سرمایه	تعداد	
۲۹۰۵	۶۳۵۱/۰۴۷	۲۵	۷۶۴	۲۲۳۳/۴۲۱	۲۹	نساجی
۶۶۱	۴۲۶۲/۶۴۵	۲۷	۴۲۱	۱۸۴۶/۷۶	۱۷	غذایی
۱۷۴	۷۴۲/۰۸۵	۶	۳۳۷	۷۵۲/۴۳	۲۱	فلزی، برق و الکترونیک
۱۱۹	۲۴۹/۲۴۶	۷	۱۲۳	۵۱۶/۰۲	۱۵	شیمیایی
۸۲	۲۶۰/۹۲۵	۱۲	۱۲۰	۲۹۹/۵۶	۱۹	سلولزی
۸۲۰	۳۹۷۵/۶۵	۲۰	۳۷۹	۲۴۰۱/۸۸۴	۱۳	کانی غیر فلزی
۴۷۶۱	۱۵۸۴۱/۵۹۸	۹۷	۲۱۴۴	۸۰۵۰/۰۷۵	۱۱۴	جمع
۱۳۶۶			۱۳۶۵			نام صنعت
اشتغال	سرمایه	تعداد	اشتغال	سرمایه	تعداد	
۱۵۴۶	۳۶۹۱/۳۸	۲۸	۱۶۰۵	۴۸۰۵/۲۸۹	۲۳	نساجی
۱۲۸۹	۷۶۲۴/۷۱۹	۵۳	۱۶۷۰	۶۰۵۳/۹۰۲	۴۹	غذایی
۸۵۰	۳۳۵۷/۶۷	۲۵	۲۶۷	۳۲۴/۳	۱۴	فلزی، برق و الکترونیک
۳۰۶۰	۲۳۹۷۵/۸۱	۳۰	۲۷۵	۱۳۱۶/۲۴	۲۰	شیمیایی
۱۸۵	۴۹۷/۵۱۲	۱۹	۱۲۵	۱۸۳۰/۸۳	۱۴	سلولزی
۵۵۶	۳۲۰۰/۸۲۲	۲۱	۴۱۴	۲۴۸۳/۴۹۱	۲۵	کانی غیر فلزی
۷۴۸۶	۴۲۳۴۷/۹۱۳	۱۷۶	۴۳۵۶	۱۶۸۱۴/۰۵۲	۱۴۵	جمع

### طبقه بندی صنایع در ایران و خراسان

«صنعت معمولاً شامل تولید مواد، تغییر شکل دادن، اتصال قطعات تغییر شکل یافته به یکدیگر به منظور تولید یک قطعه مشخص و در نهایت مونتاژ این قطعات در جهت آماده نمودن تولید نهائی می باشد».

صنعت رابه لحاظ تاریخ پیدایش می توان به دو گروه بزرگ، صنایع قدیمی (دستی) و صنایع نوین تقسیم کرد. صنایع قدیمی (دستی) در کشورهای در حال توسعه به دلیل در اختیار داشتن مواد اولیه مورد نیاز، وسایل کار و نیروی کار ماهر، متناسب با ساخت اقتصاد داخلی و متکی بر سابقه ای کهن، می تواند بی نیاز از خارج به فعالیت خود ادامه دهد. در حالی که صنایع نوین اصولاً وارداتی، بدون ارتباط با ساخت اقتصادی جامعه، فاقد زیر بنای لازم علمی و فنی و وابسته به مراکز صنعتی خارج است.

طبقه بندی دیگر صنایع، مبتنی بر سطح دانش فنی (تکنولوژی) است. بر این پایه، صنایع به سه گروه «صنایع دستی» با تکنولوژی ساده سنتی «صنایع ماشینی» با تکنولوژی نوین و «صنایع پیشرفته» با تکنولوژی پیشرفته تقسیم می شوند. در گروه اول (صنایع دستی) که تکنولوژی آن در گذشته وجود داشته، تکنولوژی مورد اشاره یا اصالت بومی خود را حفظ کرده و یا با وسایل و علوم جدید در آمیخته است.

مشخصه صنایع نوین - به مثابه محصول عصر ماشین - استفاده از انرژی ذغال سنگ، نفت و الکتروسیته به عنوان نیروی محرکه است صنایع نوین در جریان انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد و در اواسط قرن بیستم، مرحله مهمی از تکامل خود را پشت سر گذاشت. این صنایع علی رغم پیچیدگی نسبی، از نظر دانش فنی تفاوت اساسی با صنایع دستی نداشت و اکنون نیز با توجه به عمومیت یافتن آن در بسیاری از کشورهای جهان، برای همه جوامع قابل دستیابی است.

صنایع پیشرفته که تکنولوژی برخی از آنها هنوز در انحصار پاره ای شرکت های چند ملیتی است، از دهه ۱۹۵۰ به وجود آمده است و شامل صنایع پتروشیمی، شمارگرهای الکترونیک، نیروگاه اتمی، صنایع فضائی و... است. دستیابی به تکنولوژی و دانش فنی این نوع صنایع، برای کشورهای جهان سوم بدون برنامه علمی و پژوهشی حساب شده، گسترش بازار داخلی، ترتیب متخصصین و وجود منابع کافی امری بسیار دشوار محسوب می شود. در طبقه بندی دیگری، صنایع به دو گروه صنایع سبک و سنگین تقسیم می شوند.

تولیدات صنایع سبک مستقیماً توسط مصرف کننده نهائی به مصرف می‌رسد. در حالی که تولید صنایع سنگین (صنایع کلیدی و اساسی) مستقیماً قابل مصرف برای مصرف کننده نهائی نیست و باید از صنایع سبک به صورت کالاهای نهائی درآید. استان خراسان از لحاظ رشد و توسعه صنایع سنگین در، وضعیت مطلوبی نبوده و عمده ترین صنایع استان را صنایع تبدیلی کشاورزی شامل صنایع قند، صنایع کنسروی و غیره تشکیل می‌دهند. جدول شماره (۳) وضعیت و طبقه بندی صنایع را در استان خراسان و مقایسه آن با کل کشور را نشان می‌دهد.

استان خراسان در صنایع عمده ای همچون قند و شکر، شیرپاستوریزه، پارچه و فاستونی، پتو، کلید و پرز و الکتروود جوشکاری نقش بسزایی نسبت به تولید کل کشور دارد و همان طور که آمار نشان می‌دهد در این صنایع بیش از ۲۰ درصد سهم کشور به استان خراسان اختصاص دارد<sup>۱</sup>.

### نقش صنعت در اقتصاد ایران و خراسان

صنایع قدیمی ایران با تکنولوژی ساده و سستی خود نتوانست در برابر صنایع ماشینی غرب ایستادگی کند و عوامل سیاسی-اقتصادی دیگر نیز روند نابودی آنها را تسریع کرد. در مرحله بعد، بدون توجه به موقعیت صنایع دستی و علوم و فنون در ایران، برخی کارخانه های جدید با بهره گیری از توسعه صنعتی کشورهای پیشرفته سرمایه داری دایر شد و محصولات مصرفی این صنایع به رقابت با تولیدات صنایع دستی، بویژه بافته های سستی پرداخت. صنایع وارداتی شامل نساجی، غذایی، کبریت سازی، قند سازی و... عمدتاً بوسیله دولت به وجود آمد. در مواردی نیز که بخش خصوصی در این زمینه اقدام کرد، حمایت همه جانبه مالیاتی، گمرکی و اعتباری دولت را با خود داشت و از این نظر، سرمایه داری صنعتی در ایران، از بدو پیدایش خود، پویایی مشابه سرمایه داری غرب و خصلت استقلال طلب آن را نداشت. از آنجا که دولتهای نشأت یافته از کودتا در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ بنیانگذاران روابطی تنگاتنگ با امپریالیسم انگلیس و آمریکا بودند و رشد صنعتی ایران، بویژه پس از کودتای سال ۱۳۳۲ با توجه به الگوی مورد نظر آمریکا صورت گرفت، نیاز به مواد اولیه،

جدول شماره ۳- تولید کالاهای منتخب در ایران و خراسان

سهم خراسان نسبت به کل کشور(درصد)	۱۳۷۰		سهم خراسان نسبت به کل کشور(درصد)	۱۳۶۹		سهم خراسان نسبت به کل کشور(درصد)	۱۳۶۸		واحد سنجش	نام محصول	گروه صنعت
	ایران	خراسان		ایران	خراسان		ایران	خراسان			
۴۳	۵۹۹۰۹	۱۶۲۰۳۷	۱۳	۵۷۱۱۴۲	۱۸۲۱۲۱	۳۵	۵۶۲۱۶۶	۱۹۵۲۷۸	تن	قند و شکر	صنایع غذایی
۲/۹	۵۸۹۵۱۰	۱۷۶۱۷	۲/۸	۵۳۹۴۴۳	۱۴۹۱۰	۲/۶	۲۸۶۲۷۰	۱۳۸۳۳	"	روغن نباتی	
۲۰	۴۱۰۸۳۰	۸۳۳۵۰	۱۸	۳۹۷۶۲۴	۷۳۳۵۰	۲۲	۲۸۲۷۶۲	۶۳۰۰۰	"	شیر پاستوریزه	
-	-	۳۲۴۹۲	-	-	۳۶۲۳۳	-	-	۳۲۰۰۰	"	صنایع کنسرو	
۱۲	۸۹۰۰	۱۰۹۲	۱۱	۶۲۸۸	۹۹۷	۸/۶	۴۲۳۸	۳۶۸	هزار متر مربع	فرش ماشینی	صنایع نساجی
۱۷	۲۳۵۹۷	۴۱۲۰	۱۲	۱۷۱۳۷	۲۰۹۱	۲۳	۱۳۲۹۴	۳۱۱۲	"	پارچه فاستونی	
۱۴	۲۷۸۱	۵۹۱	۲۱	۲۰۴۱	۴۲۷	۲۳	۱۳۹۰	۳۲۵	هزار تخته	پتو	
۳/۵	۱۵۱۵۲۰۰۰	۵۳۶۴۹۸	۳/۹	۱۵۰۵۵۰۰۰	۵۸۲۸۴۴	۴/۱	۱۳۸۶۹۰۰۰	۵۷۴۱۴۹	تن	سیمان	صنایع کانی
۸/۲	۳۴۳۳۲۴	۲۸۰۲۷	۸/۷	۳۷۱۲۰۷	۳۲۴۸۱	۴/۶	۳۳۶۶۵۶	۱۵۵۰۲	"	لوله و ورق آزیست	غیر فلزی
۱۶	۲۸۳۰۶۷۲	۴۴۶۰۰۰	۱۳	۲۷۶۲۷۰۰	۳۵۹۰۰۰	۱۳	۲۳۶۲۳۰۰	۳۱۰۰۰۰	"	گچ ماشینی	
۸/۲	۲۳۴۴۰	۴۲۵۷	۱۵	۲۱۱۰۶	۳۰۵۷	۲۶	۱۵۹۸۰	۴۱۹۰	تن	الکترود جوشکاری	صنایع فلزی
۴۹	۲۵۹۰۷۲	۱۱۸۰۹۹	۲۱	۳۰۸۱۰۶	۶۴۰۳۳	۳۰	۱۴۴۵۵۰	۲۳۳۸۲	هزار عدد	قوطی غذایی	
۲۶	۲۹۳۰۰	۷۷۵۱	۱۸	۳۱۷۱۱	۵۷۵۳	۱۸	۳۱۱۲۶	۵۸۳۹	هزار عدد	کلید و پریز	صنایع برق و الکترونیک
۵/۹	۳۴۴۸۴	۲۰۶۳	۶/۸	۴۰۴۰۰	۲۷۶۰	۸/۶	۳۱۹۹۱	۲۷۵۶	تن	صابون	صنایع شیمیایی

مآخذ : اداره کل صنایع استان خراسان.

قطعات، ماشین آلات، تکنولوژی و کارشناسان خارجی، از بدو تأسیس صنعت جدید در ایران به وجود آمد. اگر صنایع در مرحله نخست (پیش از سال ۱۳۲۰) با توجه به تکنولوژی ساده و کاربر بودن آن عمدتاً از نظر ماشین آلات به خارج وابسته بود، در مرحله دوم، وابستگی صنایع با توجه به پیچیدگی تکنولوژیک و افزایش شکاف بین تکنولوژی بومی ایران و تکنولوژی صنعتی کشورهای امپریالیستی تشدید شد.

صنایع جدید به دلیل عدم رشد مستقل نه تنها نتوانست نیاز خود را در داخل تأمین کند بلکه از برآورده ساختن نیاز کشاورزی ایران و استان نیز در زمینه ماشین آلات کشاورزی، کود و سموم نباتی، وسایل و ماشین آلات کشاورزی، وسایل و ماشین آلات دامپروری، وسایل و ماشین آلات آبیاری عاجز ماند این صنایع همچنین در رفع نیاز امور مربوط به راهسازی، ساختمان، تولید، برق، آموزش و بهداشت و... دچار مشکل شد که با توسل به واردات کالا، وابستگی اقتصادی ابعادی گسترده تر یافت و وابستگی صنعتی به وابستگی همه جانبه اقتصادی تبدیل شد. تغییر الگوی مصرف و عادت دادن مردم به استفاده از کالاهایی که امکان تولید آن در کشور و استان نبود، کل زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و استان را با انحصارات غریبی پیوند داد. تا آن جا که نه تنها برای به حرکت در آمدن چرخ صنایع، بلکه برای هرگونه فعالیتی اعم از تولیدی و خدماتی، نیازها از طریق واردات تأمین شد. صنایع ایران و استان اگرچه رشد وابسته ای دارد و رها کردن آن به حال خود به معنای تثبیت وابستگی و تشدید آن است، اما آشنایی میلیونها انسان با تکنولوژی جدید و پیشرفته و تأثیر این آشنایی در زندگی فردی و اجتماعی از یک سو و وجود ماشین آلات، وسایل و ابزارهای جدید، راهها، بنادر، فرودگاهها، ساختمانها و غیره، از سوی دیگر، امکانات بالقوه محسوب می شود که در کنار امکانات طبیعی می تواند نقش اساسی در تغییر ساخت صنعتی و کسب استقلال اقتصادی ایفا کند.

صنایع وابسته طی چند سال با هزینه در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار که از فروش ثروت ملی ایران (نفت) حاصل شده بوجود آمده است. به هر حال اکنون، راه چاره آغاز کردن از صفر نیست. با اتکاء به اراده ملی و برنامه ای سنجیده می توان رشد موزون صنایع و رشد موزون کل اقتصاد را امکانپذیر کرد. هر چند صنایع وابسته نقش پیشاهنگ را در وابستگی اقتصادی جامعه و استان ایفاء کرده ولی با این حال تنها بخش صنعتی کشور و استان است که دارای امکانات لازم برای کسب استقلال اقتصادی است. صنعت در درجه اول باید پاسخگوی نیاز

بخش کشاورزی باشد. در غیر این صورت رشد کشاورزی در ارتباط با صنایع خارج از کشور صورت خواهد گرفت. افزایش سطح زیر کشت، نیاز به تأمین آب و گسترش شبکه های آبیاری و افزایش بازدهی واحد سطح زیر کشت نیاز به ماشین آلات کشاورزی، کود و سموم نباتی دارد که تنها صنایع نوین و پیشرفته قادر به تأمین این امکانات است. با توجه به تنوع آب و هوای ایران و همچنین استان، وجود محصولات گوناگون در مناطق مختلف و در نتیجه وجود فواصل زمانی و مکانی تولید نسبت به بازارهای عمده مصرف محصولات کشاورزی، نه تنها گسترش شبکه حمل و نقل و افزایش تعداد وسایل حمل و نقل، بلکه پایه گذاری و توسعه صنایع کشاورزی برای تبدیل محصولات کشاورزی به فرآورده های قابل مصرف و جلوگیری از اتلاف محصولات کشاورزی و تنظیم بازار، ضرورت دارد. در عین حال ایجاد گسترش شبکه سراسری و به هم پیوسته سردخانه ها، انبارها، سیلوها و غیره برای تأمین نیاز کشور و استان، امری حیاتی است و این همه را نیز باید بخش صنعت در داخل کشور و حتی استان تأمین کند. به این ترتیب صنعت محور اساسی توسعه و رشد کشاورزی نوین محسوب می شود. آن گونه که رشد و توسعه مستقل کشاورزی، بدون رشد و توسعه موزون و متناسب بخش صنعت ممکن نیست. بهره برداری از منابع طبیعی اعم از معادن و فلزات، منابع نفت و گاز، معادن مواد ساختمانی و دیگر معادن نیز نیاز به ماشین آلات، تأسیسات و امکاناتی دارد که تأمین آن به وسیله بخش صنعت، امکان پذیر است، به این ترتیب بخش صنعت در بهره برداری از منابع طبیعی (اعم از کشاورزی و معدنی) به صورت گسترده و فراگیر، نقش محوری دارد و رشد نامتناسب بخش صنعت، توسل به منابع خارجی و تشدید وابستگی صنعتی را اجتناب ناپذیر می سازد. از آن جا که رشد دانش فنی برای رهایی از وابستگی تکنولوژیک، که پس از وابستگی صنعتی مهمترین ویژگی وابستگی اقتصادی ایران و استان محسوب می شود، صرفاً از طریق توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزشی نمی تواند صورت گیرد و آموزش عملی ضمن انجام کار در مؤسسات نیز نقش تعیین کننده ای در ارتقاء سطح تکنولوژیک کشور و استان دارد و توان بالقوه صنعت در این زمینه (توسعه تکنولوژیک) تعیین کننده است. از سوی دیگر کاهش سطح بیکاری و از میان برداشتن آن نیز، تنها با توسعه صنعتی امکان پذیر خواهد بود و هیچ بخش اقتصادی دیگر نمی تواند اشتغال کامل غیر وابسته را در کشور و استان تأمین کند.

اگر وابستگی صنعتی را مهمترین مشخصه وابستگی اقتصادی کشور و استان به حساب

آوریم از میان برداشتن آن جز از طریق تغییر ساخت کشور و استان و ایجاد امکانات تولید صنعتی در داخل، ممکن نیست. نفت به مثابه مهمترین بخش صنعتی کشور باید نیاز خود را به ماشین آلات در داخل تأمین کند. صنایع باید قادر باشند در تغییر ساخت وابسته صنعت نفت و تبدیل کشور از صادر کننده نفت خام به صادر کننده فرآورده های نفتی، نقش اساسی ایفا کنند.

اگر مهمترین خصیصه وابستگی صنعتی ایران و استان، فقدان یا کمبود شدید صنایع سنگین و مادر (عمدتاً ذوب فلزات و ماشین سازی) برای تبدیل مواد معدنی به ابزار و وسایل تولید است، به این ترتیب ایجاد گسترش صنایع ذوب فلزات و ماشین سازیها، با توجه به ویژگی معادل و سطح علمی و فنی ایران و استان و امکانات جذب تکنولوژی در این زمینه، نقش تعیین کننده ای در تغییر ساخت صنعتی ایران و استان خواهد داشت.

جدول شماره (۴) شاخص تولید، اشتغال و مزد و حقوق پرداختی را در کارگاههای بزرگ صنعتی کشور که بیشتر از ۵۰ نفر کارگر دارند نشان می دهد. بر اساس آن مسوولان و مدیران اقتصادی کشور می توانند با شناسایی دقیقتر، مشکلات، تحولات صنعتی آینده را در جهت بهبود وضعیت طوری برنامه ریزی نمایند که از بروز عدم تعادل و بحران در تولید و عرضه کالا جلوگیری به عمل آید.

شاخصهای صنعتی کار بردهایی در سیستم پولی و اعتباری کشور، سرمایه گذاری و صاحبان سرمایه، امکان مقایسه تغییرات محصولات رشته های مختلف و اهمیت و سهم تغییرات حجم تولیدات در اقتصاد را با توجه به تغییرات جمعیت، درآمد ملی، بازرگانی خارجی و سطح قیمتها خواهد داشت.

باتوجه به جدول مزبور، شاخص صنایع تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی با ۴۵/۸ درصد افزایش در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال قبل بیشترین رشد را به خود اختصاص داده است<sup>۱</sup> و در مقابل شاخص صنایع تولید کاغذ، مقوا و محصولات کاغذی و مقوایی با ۸/۴ درصد کاهش مواجه شده است و بیشترین افزایش در بین گروههای مختلف صنایع مربوط شاخص اشتغال تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی است که ۱۰/۵ درصد نسبت به سال ۱۳۶۹ افزایش داشته است و در مقابل شاخص اشتغال صنایع تولید

جدول شماره ۴ - شاخص تولید اشتغال و دستمزد حقوق پرداختی کلر کشاورزی بزرگ صنایع کشور در سالهای مختلف ۱۳۷۰-۱۳۶۱

۱۳۶۴			۱۳۶۳			۱۳۶۲			نام صنعت
دستمزد حقوق	اشتغال	تولید	دستمزد حقوق	اشتغال	تولید	دستمزد حقوق	اشتغال	تولید	
۱۴۹/۰	۱۱۸/۵	۱۳۶/۸	۱۳۳/۱	۱۱۵/۳	۱۴۱/۳	۱۱۷/۴	۱۰۸/۶	۱۴۱/۹	شاخص کل
۱۳۶/۶	۱۰۴/۲	۱۲۰/۷	۱۲۱/۴	۱۰۲/۲	۱۱۴/۰	۱۱۴/۳	۱۰۶/۵	۱۰۹/۴	صنایع تولید مواد غذایی ، آشامیدنی و دخانیات
۱۴۴/۸	۱۱۲/۹	۱۲۱/۸	۱۲۸/۷	۱۱۰/۶	۱۲۰/۲	۱۱۴/۴	۱۰۵/۵	۱۱۵/۶	صنایع تولید منسوجات ، پوشاک و چرم
۱۴۸/۲	۱۲۲/۸	۱۰۲/۴	۱۲۸/۶	۱۱۲/۸	۱۱۶/۲	۱۱۲/۵	۱۱۰/۶	۱۰۷/۱	صنایع تولید چوب و محصولات چوبی
۱۳۷/۱	۱۰۸/۵	۱۱۷/۸	۱۲۴/۴	۱۰۷/۵	۱۳۱/۷	۱۱۶/۶	۱۰۵/۷	۱۱۶/۴	صنایع تولید کاغذ، متورار، محصولات کاغذی و متوراری
۱۴۴/۱	۱۱۹/۴	۱۲۷/۹	۱۳۱/۱	۱۱۵/۶	۱۳۴/۰	۱۱۳/۸	۱۰۸/۲	۱۲۲/۸	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی
۱۳۹/۰	۱۱۲/۰	۱۱۶/۶	۱۲۲/۴	۱۰۸/۰	۱۱۴/۸	۱۱۲/۶	۱۰۵/۲	۱۰۸/۵	صنایع تولید محصولات معدنی غیر فلزی «غیر از نفت و زغال سنگ»
۱۸۲/۲	۱۴۱/۸	۱۳۶/۱	۱۶۰/۶	۱۳۵/۳	۱۷۱/۲	۱۲۸/۷	۱۱۶/۸	۱۷۸/۰	صنایع تولید فلزات اساسی
۱۵۵/۵	۱۲۸/۰	۱۲۲/۲	۱۴۰/۸	۱۲۴/۵	۱۵۱/۰	۱۲۲/۲	۱۱۵/۱	۱۳۶/۸	صنایع تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی

ادامه جدول شماره ۴ - شاخص تولید اشتغال و دستمزد و حقوق پرداختی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سالهای مختلف ۱۳۷۰ - ۱۳۹۱

نام صنعت	۱۳۶۵			۱۳۶۶			۱۳۶۷		
	تولید	اشتغال	دستمزد و حقوق	تولید	اشتغال	دستمزد و حقوق	تولید	اشتغال	دستمزد و حقوق
شاخص کل صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات صنایع تولید نسوجات، پوشاک و چرم صنایع تولید چوب و محصولات چوبی صنایع تولید کالفا، مقوا و محصولات کاغذی و مقوایی صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی صنایع تولید محصولات معدنی غیر فلزی (غیر از نفت و ذغال سنگ) صنایع تولید فلزات اساسی صنایع تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی	۱۰۰۰/۶	۱۱۴/۰	۱۳۴/۰	۹۲/۲	۱۱۰/۸	۱۵۵/۹	۸۶/۷	۱۱۱/۱	۱۷۸/۷
	۱۰۴/۱	۱۰۲/۵	۱۳۷/۳	۹۵/۲	۱۰۱/۴	۱۵۲/۸	۹۲/۵	۱۰۱/۹	۱۷۶/۸
	۱۰۷/۳	۱۱۱/۴	۱۴۴/۳	۹۵/۳	۱۱۰/۳	۱۵۷/۶	۸۲/۸	۱۰۹/۹	۱۷۷/۹
	۹۶/۳	۱۲۸/۳	۱۵۰/۵	۹۹/۶	۹۸/۰	۱۶۶/۱	۹۷/۲	۱۲۸/۳	۱۹۰/۳
	۸۱/۲	۱۰۳/۸	۱۲۸/۲	۷۷/۷	۹۸/۰	۱۴۳/۶	۸۸/۲	۹۵/۴	۱۵۹/۸
	۱۰۸/۷	۱۱۷/۳	۱۴۴/۸	۱۱۳/۶	۱۱۴/۶	۱۵۹/۱	۹۵/۶	۱۱۵/۸	۱۹۲/۶
	۱۰۸/۵	۱۰۹/۵	۱۳۸/۳	۱۱۵/۳	۱۰۹/۲	۱۵۲/۸	۱۰۸/۲	۱۰۸/۴	۱۶۸/۷
	۱۳۳/۶	۱۳۴/۸	۱۷۷/۶	۱۰۵/۰	۱۳۱/۱	۱۹۱/۰	۱۰۸/۱	۱۳۶/۲	۲۲۵/۲
	۸۳/۶	۱۱۶/۶	۱۳۸/۹	۷۱/۶	۱۰۸/۴	۱۴۴/۲	۶۵/۲	۱۰۷/۸	۱۶۴/۹

ادامه جدول شماره ۴ - شاخص تولید اشتغال و دستمزد و حقوق پرداختی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در سالهای مختلف ۱۳۷۰ - ۱۳۶۱

۱۳۷۰		۱۳۶۹			۱۳۶۸			نام صنعت	
دستمزد و حقوق	اشتغال	تولید	دستمزد و حقوق	اشتغال	تولید	دستمزد و حقوق	اشتغال		تولید
۳۶۵/۳	۱۲۰/۸	۱۴۱/۱	۲۴۵/۵	۱۱۴/۷	۱۱۸/۷	۱۹۹/۷	۱۱۱/۲	۹۱/۸	شاخص کل
۳۴۲/۲	۱۰۹/۵	۱۱۹/۶	۲۴۷/۲	۱۰۵/۴	۱۰۸/۶	۲۰۰/۴	۱۰۱/۸	۹۳/۶	صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
۳۱۹/۸	۱۱۱/۳	۱۰۲/۸	۲۱۶/۵	۱۰۸/۰	۹۰/۹	۱۹۱/۵	۱۰۷/۶	۸۲/۴	صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم
۳۹۶/۹	۱۴۳/۳	۱۱۳/۱	۲۶۲/۸	۱۴۸/۱	۱۱۲/۲	۲۱۶/۷	۱۳۸/۷	۱۱۱/۹	صنایع تولید چوب و محصولات چوبی
۳۲۱/۳	۱۰۷/۴	۱۲۳/۱	۲۱۹/۱	۹۸/۶	۱۲۴/۴	۱۸۲/۲	۹۳/۵	۹۰/۳	صنایع تولید کاغذ، مقوا و محصولات کاغذی و مقوایی
۴۱۱/۷	۱۳۲/۶	۱۷۷/۰	۲۷۶/۰	۱۲۲/۹	۱۶۱/۶	۲۱۷/۰	۱۱۷/۳	۱۱۷/۶	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی
۳۳۰/۵	۱۱۳/۰	۱۳۳/۹	۲۲۱/۲	۱۰۸/۷	۱۳۵/۱	۱۸۴/۰	۱۰۶/۵	۱۲۰/۲	صنایع تولید محصولات معدنی غیر فلزی (غیر از نفت و ذغال سنگ)
۲۸۶/۸	۱۵۲/۸	۲۵۴/۶	۳۵۵/۲	۱۵۲/۲	۲۰۲/۶	۲۶۵/۰	۱۴۳/۸	۱۲۳/۲	صنایع تولید فلزات اساسی
۳۷۹/۴	۱۴۴/۹	۱۵۲/۸	۲۳۷/۰	۱۱۳/۰	۱۰۲/۸	۱۸۶/۲	۱۰۸/۴	۶۶/۶	صنایع تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی

مانند : بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۵- شاخص ارزش محصولات به قیمت ثابت، اشتغال کارکنان و دستمزد و مزایای پرداختی کارگاههای بزرگ صنعتی در استانهای مختلف ۷۰ - ۱۳۶۹.

شاخص کل		ارزش محصولات		اشتغال کارکنان		دستمزد و مزایای پرداختی	
		۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۶۹
نام استان		۱۲۲,۴	۱۴۴	۱۱۴,۷	۱۲۰,۸	۲۴۳,۵	۳۶۶,۵
تهران	۱۱۳,۴	۱۳۸,۹	۹۹,۲	۱۰۵,۹	۲۲۰,۸	۳۳۵,۵	
مرکزی	۱۸۳,۸	۲۰۵,۶	۱۷۷,۵	۱۹۲,۵	۳۷۸,۵	۵۹۴,۳	
گیلان	۱۱۵,۰	۱۲۷,۲	۱۱۱,۸	۱۱۴,۷	۲۳۸,۰	۳۵۰,۸	
مازندران	۱۰۴,۵	۱۱۵,۶	۱۱۷,۵	۱۱۸,۶	۲۲۲,۳	۳۲۴,۲	
آذربایجان شرقی	۱۱۶,۵	۱۵۰,۶	۱۳۹,۰	۱۴۶,۳	۲۸۸,۰	۴۵۸,۹	
آذربایجان غربی	۱۴۷,۴	۱۶۲,۲	۱۳۵,۳	۱۲۸,۹	۳۴۲,۳	۴۶۳,۹	
کرمانشاهان	۱۲۵,۲	۱۳۱,۴	۱۳۴,۶	۱۳۵,۹	۲۸۱,۹	۳۸۴,۶	
خوزستان	۱۹۰,۳	۲۰۹,۶	۱۲۷,۶	۱۳۷,۲	۳۰۴,۳	۴۶۳,۸	
فارس	۱۵۹,۸	۱۷۲,۵	۱۵۶,۲	۱۶۷,۵	۳۴۴,۳	۵۱۷,۰	
کرمان	۲۷۱,۴	۳۱۵,۰	۱۳۷,۵	۱۳۷,۲	۳۴۸,۶	۵۰۳,۷	
خراسان	۱۰۱,۲	۱۲۹,۶	۱۰۴,۵	۱۰۹,۸	۲۲۴,۷	۳۳۴,۸	
اصفهان	۱۰۹,۸	۱۲۴,۶	۱۱۹,۸	۱۲۲,۴	۲۲۶,۴	۳۱۹,۴	
سیستان و بلوچستان	۱۳۸,۶	۱۱۲,۱	۹۳,۰	۹۰,۳	۲۱۱,۰	۲۴۵,۹	
همدان	۱۲۳,۰	۱۲۲,۹	۱۲۶,۰	۱۲۹,۵	۳۰۶,۱	۴۳۱,۹	
لرستان	۱۵۲,۰	۱۵۷,۴	۱۰۴,۲	۱۱۴,۴	۲۵۱,۴	۴۱۶,۵	
یزد	۸۹,۱	۱۱۶,۱	۱۱۰,۳	۱۱۴,۵	۲۵۱,۰	۳۷۸,۱	
زنجان	۱۰۷,۶	۱۲۱,۳	۱۱۵,۹	۱۲۴,۹	۲۳۶,۴	۳۶۵,۸	
سمنان	۱۶۷,۷	۱۸۲,۲	۲۰۳,۵	۲۱۶,۵	۳۷۴,۹	۵۵۶,۵	
سایر استانها	۱۲۴,۶	۱۹۱,۴	۱۳۷,۰	۱۴۸,۶	۳۰۱,۷	۴۵۷,۷	

مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

چوب و محصولات چوبی ۳/۲ درصد تنزل داشته است، ضمناً شاخص مزد و حقوق و مزایا در سال ۱۳۷۰ جدول شماره (۵) بیانگر این است که استان خراسان در سال ۱۳۷۰ به ترتیب ۲۸/۱ درصد، ۵/۱ درصد و ۴۹ درصد در ارزش محصولات، استغال کارکنان و دستمزد و مزایای پرداختی نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

در صنایع تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی نسبت به سال ۱۳۶۹، ۵۹/۹ درصد افزایش نشان می دهد و صنایع تولید فلزات اساسی کمترین افزایش را نسبت به سال قبل یعنی ۳۶/۸ درصد نشان می دهد.

### علل منطقی کوشش در راه صنعتی شدن

منطقی ترین و مهمترین دلیل مبادرت به طرح برنامه های صنعتی این است که با اجرای آن می توان درآمد ملی کشور و حتی استان را افزایش داد. چنانچه یک طرح صنعتی نتواند بطور محسوس درآمد ملی را افزایش دهد یقیناً موجب پایین آمدن درآمد ملی خواهد شد. تمایل دولت نسبت به اجرای طرحهای مهم صنعتی باید بر محاسبه ارزش اقتصادی هر طرح و به عبارت دیگر مقدار سود خالص که از اجرای طرح در درآمد ملی مؤثر واقع می شود متکی باشد. انتخاب طرحها بر اساس هرگونه محاسبه دیگری از قبیل تهیه کار برای بیکاران، استفاده از سرمایه های قلیل، منافع حاصله از صرفه جویی در ابعاد خارجی توسعه اقتصادی زیادی را نتیجه نداده با به عبارت دیگر در درآمد ملی افزایش محسوس به وجود نمی آورد. طرحهای صنعتی که در وهله اول بطور صحیح انتخاب شده باشد زمانی هم که به جریان افتد به طور نمایانی در آمد ملی را افزایش خواهد داد. تشخیص طرحهای نامساعد و جلوگیری از ادامه اجرای آنها قبل از آنکه موجب زیانهای اقتصادی شود یکی از مهمترین جنبه های توسعه امور صنعتی است. دلیل منطقی دیگری که صنعتی شدن ایران و استان را ایجاب می کند این است که این امر مآلاً موجب تنوع صادرات شده و عامل مؤثری است برای بهبود ذخائر ارزی و درآمد ملی.

یکی دیگر از مزایای صنعتی شدن - صرفنظر از ایجاد ثبات اقتصادی تولید محصولات است که در بازارهای صادراتی با کالاهای مشابه قابل رقابت بوده و عواید ارزی بیشتری که مآلاً موجب افزایش درآمد می شود نصیب کشور و استان می سازد.

به همین جهت صنایعی که تولید اقتصادی کالاها را برای مصارف داخلی میسر ساخته،

کشور و استان را از واردات اجناس مشابه بی نیاز می کند در ثبات اقتصادی کشور و استان مؤثر بوده و مصارف ارزی را تعدیل می کند. به علاوه هنگامی که درآمد حاصله از صادرات رو به کاهش است مصرف تولیدات داخلی می تواند قوت حجم صادرات را جبران کرده و سطح تولید را به همان میزان قبلی نگاه دارد. بدیهی است این گونه تولیدات داخلی موجب ازدیاد ثروت و سبب افزایش درآمد ملی است.

اگر صنعتی شدن بتواند ثبات اقتصادی بیشتری با خود به همراه داشته باشد این تأثیر مطلوب باید بطور کلی به عنوان تولید غیر مستقیمی که خود منبع افزایش درآمد ملی است نیز به شمار آید.

از این رو چنانچه توسعه صنعتی مورد نظر از لحاظ درآمد ملی تأثیری نداشته باشد باید مزایای ثبات اقتصادی را در مقابل هزینه اجرای این طرح مورد بررسی قرار داد.

اشتغال بیکاران و یا کم کاران دلیل منطقی دیگری برای صنعتی شدن کشور و استان است ولی این امر مشروط بر این است که امکان بهره برداری بیشتر از نیروی بیکاران در رشته کشاورزی و یا فعالیتهای دیگر موجود نباشد در این صورت باید طرحهایی انتخاب کرد که ضمن تهیه کار برای بیکاران مقداری نیز بطور خالص به درآمد ملی افزوده شود. تهیه بازار برای مواد خام داخلی از قبیل محصولات معدنی، کشاورزی، جنگلی که در صورت عدم استفاده کلاً و یا قسمتی از آنها بی مصرف خواهد ماند محرک دیگری برای صنعتی شدن به شمار می رود مشروط بر آن که طرحهای انتخابی بتواند ضمن تأمین ارزش اضافی، با موازین ملی هماهنگ باشد. عوامل بلااستفاده تولید اعم از انسانی یا مادی همان طور که اگر در راه صحیح و به طرق ثمر بخش مورد استفاده قرار گیرند موجب ترقی اقتصاد ملی خواهند بود بر عکس چنانچه تا حد ظرفیت اقتصادی خود مورد بهره برداری قرار نگیرند نیز موجب خسران اقتصاد می گردند و اما این که تمام عوامل تولید مورد بهره برداری قرار گیرد سود خالص نصیب جامعه خواهد شد یا نه، به هزینه طرحها و منابع حاصله از اجرای آنها در کشور و استان بستگی خواهد داشت.

### وضعیت صنعت از نظر سواد و نیروهای متخصص فنی

بررسی وضع سواد و ترکیب نیروی انسانی شاغل در صنعت و همچنین مطالعه نسبتهای مربوط به متخصصین، دانشمندان محقق به جمعیت در هر کشوری بیانگر رشد و

توسعه یافتگی آن کشور است آمارها و مطالعات حاکی از آن است که هر چه میزان سواد و مهارت در کشوری در سطح بالایی باشد میزان پیشرفتگی آن کشور در اقتصاد، تکنولوژی و دیگر فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی نیز در سطحی بالا قرار دارد. به عبارت دیگر بین سواد و مهارت و پیشرفت یک نسبت همسو وجود دارد.

جدول شماره ۵ و شماره ۶ به ترتیب وضع سواد در کارکنان صنعت و ترکیب شغلی کارکنان صنعت را در ایران در طول سالهای ۶۵ - ۱۳۴۵ نشان می دهند. از مقایسه جدولهای مذکور و وضع کارکنان در سالهای مختلف نتایج زیر را می توان استخراج کرد.

الف - تعداد بیسوادان و سهم آنها در طول ۲۰ سال از ۷۲/۲ درصد به ۴۰/۷ درصد رسیده و کاهش یافته است.

ب - سهم کارکنان علمی - فنی و تخصصی از ۵/۸ درصد به ۶/۳ درصد و سپس به ۳ درصد رسیده و یک سیر صعودی و نزولی را طی کرده است.

ج - مجموعاً نزدیک به ۸۰ درصد از کارکنان صنعت یا بیسواد و یا دارای سواد در حد ابتدائی هستند.

د - در طول این سالها به کارکنان مشاغل تولیدی - یعنی کارکنان خط تولید که شامل کارگران می شود افزوده شده و از ۷۶/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۷۶/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ و سپس به ۸۵ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده و افزایش یافته است و این نشان می دهد که صنعت ما با تورم کارکنان در سطح پایین مواجه است و اگر این نسبت را با نسبت بیسوادان و کم سوادان (۸۰٪) در کنار هم قرار دهیم وضع سواد و مشاغل در صنعت روشن خواهد شد. مقایسه این وضع<sup>۱</sup> با برخی کشورهای دیگر می تواند دلایل اختلاف ما را در زمینه صنعت نشان دهد. در ژاپن کارگران صنعت حداقل دارای دیپلم دبیرستان هستند و حال آن که ۸۰ درصد کارکنان ما بیسواد یا کم سوادند. بنابراین چگونه صنایع با داشتن ۷ درصد کارکنان دارای تحصیلات عالی می تواند در بازارهای بشدت رقابت جوی جهانی نفوذ کند و در دنیایی که تولید، طراحی، ساخت، بازاریابی، فروش، مدیریت، توزیع و همه فعالیتهای مرتبط به صنعت بر پیشرفته ترین اصول علمی - فنی استوار شده است حتی به بقای خود ادامه دهند. در آمریکایی سوادان گروه سنی ۱۴ سال به بالا ۵ درصد، در شوروی سابق ۲ درصد و

۱. صنعت و مطبوعات شماره ۴۰۶ (بولتن انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران).

در هندوستان ۵۹/۲ درصد، در برزیل ۳۳/۸ درصد در ترکیه ۲۵/۸ درصد در الجزایر ۵۵/۳ درصد و در ایران نیز نزدیک به گروه کشورهای در حال توسعه است. مقایسه دانشمندان، مهندسين، تکنيسين ها در چند کشور برگزیده جهان نشان می دهد که در آمریکا به نسبت هر هزار نفر ۱۴/۷۵ نفر در شوروی سابق ۵۱/۹۶، در ژاپن ۵۹/۱ نفر، در ترکیه ۱۵/۹ و در ایران ۷/۱ نفر دانشمند و مهندس و بطور کلی دانش آموخته در سطح عالی وجود دارد. نسبت تعداد تکنيسين ها در هر هزار نفر در کشورها مختلف را نیز می توان به شرح ذیل بیان نمود.

در آلمان غربی ۹۸/۸۷ در شوروی سابق ۶۸/۶، در ژاپن ۳۵۳/۶۱ در برزیل ۲۵/۳، در ترکیه ۱۸/۶ و در ایران ۴/۱۶ نفر است.

برای ترمیم ساختار مهارتی نیروی انسانی فنی درکشورمان و همچنین آمار کافی در دست نیست ولی می توان حدس زد که این ساختار چندان توسعه یافته نیست، به بیانی دیگر در واحدهای صنعتی ما هنوز درصد بالایی از نیروی کار را کارگران ساده و نیمه ماهر تشکیل می دهند و پایین بودن سطح سواد جامعه این وضع را تقویت کرده است. سطح پایین میزان تکنيسين درکشور ما از سویی معلول نظام ارزشی ماست که همگام با تحولات صنعت پیش نرفت و به علاوه این که مشکل نظام انگیزشی نیز وجود دارد چرا که

جدول شماره ۶- وضع سواد در کارکنان صنعت ۶۵-۱۳۴۵

گروههای سواد	۱۳۴۵ درصد	۱۳۵۵ درصد	۱۳۶۵ درصد
بیسواد	۷۲٫۱۹	۶۱٫۳۸	۴۰٫۷
۱ تا ۶ ابتدایی	۲۳٫۷۱	۲۹٫۵۹	۳۸٫۷
متوسطه	۳٫۵۱	۷٫۳۸	۱۸٫۱
عالی	۰٫۳۳	۱٫۲۵	۰٫۷
اظهار نشده	۰٫۲۶	۰٫۴۰	۱٫۸
جمع	۱۰۰٫۰۰	۱۰۰٫۰۰	۱۰۰٫۰۰

مآخذ: بولتن انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۷ - ترکیب شغلی کارکنان صنعت

۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	مشاغل
درصد	درصد	درصد	
۳٫۳	۶٫۳	۵٫۸	کارکنان علمی، فنی تخصصی
۰٫۵	۰٫۵	۰٫۲	مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری
۲٫۶	۵٫۰	۲٫۸	کارکنان اداری، دفتری و مشابه
۴٫۱	۶٫۸	۷٫۱	فروشنده‌گان و کارکنان
۴٫۸	۴٫۹	۸٫۰	کارکنان خدماتی
			کارکنان مشاغل
۸۵٫۰	۷۶٫۵	۷۶٫۱	تولیدی و مشابه
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

مآخذ: بولتن انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران

هنوز تفاوت فاحشی چه در صنعت و چه خارج از آن، بین حقوق و در آمد تکنیسین ها بارده های بالاتر وجود دارد در حالی که تفاوت دوره تخصصی و زمان تحصیل آنان چندان تفاوتی ندارد.

همه این عوامل باعث شده است که تحصیل در سطح تکنیسین برای جوانان ماجاذبه چندان نداشته باشد.

### مقام صنعت در برنامه های توسعه اقتصادی و معضلات توسعه اقتصادی استان

این نکته را باید در نظر داشت که بین توسعه صنعتی و کشاورزی مغایرتی وجود ندارد و در نهایت نمی توان یکی را بر دیگری ترجیح داد. این دو رشته به قدری به هم آمیخته است که توسعه هریک بناچار و تا حد زیادی متکی به دیگری است. استایلی رابطه بین دو رشته کشاورزی و صنعت و نحوه برخورد آن دو را به شرح ذیل بیان می کند.

« افزایش تولید محصولات کشاورزی یکی از عوامل لازم صنعتی کردن است. در حقیقت چنانچه تغییرات اساسی در کشاورزی به وقوع نپیوندد و روشهای نو مورد استفاده قرار نگیرد برنامه های صنعتی شدن اغلب کشورهای کم رشد از جهت فقدان بازار و این که

مردم این کشورها قدرت خرید محصولات صنعتی را ندارند موقوف الاجرا می ماند و بالعکس نیز چنانچه بهبود و رشدی در صنایع نباشد تا از افرادی که در اثر اجرای روشهای جدید کشاورزی بیکار می شوند در کارهای تولیدی و تأمین احتیاجات فنی و خدمات کشاورزی استفاده شود پیشرفتهای کشاورزی همچنان راکد خواهد ماند.

در یک بررسی کلی در مورد ارزش و میزان توسعه آتی صنعت و تأثیر آن در توسعه اقتصادی برخی از نکات بسیار مؤثر از قبیل در دسترس بودن سرمایه، ارزش خارجی، مدیریت، امکانات صنعتی، مواد خام، امکانات بازار محلی و بازارهای خارجی باید مد نظر قرار گیرد. تا بتوان مضار و جنبه های مختلف توسعه صنعت را در هر کشور دقیقاً ارزیابی کرد. تمایل عمومی اکثر براین است که طرحهای عظیم صنعتی را می توان و باید با مصرف پول زیاد تحقق بخشید و حال آن که سرمایه گذاری برای توسعه صنعت مفید نخواهد بود مگر آن که در زمینه های فرهنگ، حمل و نقل و تجدید تشکیلات دستگاههای اداری نیز سرمایه کافی به کار افتاده و نتیجه رضایت بخش حاصل شده باشد.

توسعه صنعت یکی از اقسام توسعه اقتصادی می باشد و ضمن این که نقش مؤثر و حساسی را در برنامه های همه جانبه توسعه اقتصادی ایفا می کند از جهت انتخاب طرق وسایل صحیح به منظور تأمین حداکثر استفاده با قبول حداقل زیان، دقت کافی و توجه عمیقی باید به آن مبذول گردد.

استان خراسان در راه توسعه اقتصادی خود با مشکلات فراوانی به قرار ذیل مواجه بوده و می باشد<sup>۱</sup>.

الف - استان فاقد مراکز اطلاع رسانی و یا بانک اطلاعاتی در زمینه های مختلف بویژه امور اقتصادی و صنعتی است.

ب - عدم وجود مرکز هماهنگ کننده نیروهای انسانی متخصص و کارآبه منظور بهره گیری کافی از تخصصهای موجود در استان.

ج - ارتباط سیستماتیک میان مدیران و متخصصین اجرائی بندرت مشاهده می شود.

د - گستردگی استان، عدم وجود راههای ارتباطی کافی درون استانی علی الخصوص در مناطق روستایی و عشایری، عدم امکان انتقال سریع و فوری تولیدات دامی و کشاورزی به

واحدهای صنعتی و بازار.

ه - جوان بودن جمعیت و رشد فوق العاده زیاد آن و محدودیت امکانات از جمله امکانات زیستی، رفاهی، فرهنگی و یا بسیاری از محدودیتهای مرتبط با رشد بی رویه جمعیت از جمله محدودیت در امکانات اشتغال و بهره دهی.

و - محدودیت منابع آب، کویری بودن قسمتهای عمده ای از مناطق جنوبی و کوهستانی بودن مناطق مهمی از شمال استان را می توان از موانع توسعه و رشد در شرایط حاضر تلقی نمود.

ز - محدودیت امکانات بهره برداری از معادن، مکانیزه نبودن ابزار تولید، بالابودن دستمزدها، دوری مراکز تولید از مراکز مصرف، بالابودن هزینه های حمل و نقل و انتقال کالا از موانع دیگر است.

ح - عدم وجود صنایع کلیدی و مادر از جمله کارخانجات ذوب آهن، ماشین سازی، اتومبیل سازی، پتروشیمی و غیره در استان.

جایگاه استان خراسان در توسعه اقتصادی کشور جایگاه ویژه ای است و این از نظر فرهنگی، اقتصادی و معنوی حائز اهمیت است.

### پیشنهادها

استفاده بهینه از امکانات و پتانسیلهای موجود و افزایش بهره دهی تولید با ایجاد نظامهای مدیریتی کالا.

هدایت سرمایه داران به سرمایه گذاری در زمینه های زیربنایی و صنعتی با استفاده از اهرمهای حمایتی و تشویقی به نحوی که سرمایه گذاری در زمینه های تولید انرژی، راه، شهرکهای صنعتی در مناطق مشخص برای بخش خصوصی مقرر و به صرفه باشد.

بهبود بخشیدن به مدیریت کارخانجات با انتخاب مدیرانی کارآمد و کاردان و تفویض اختیار بیشتر به آنان و همچنین تصحیح سیستم کنترل قیمت تولیدات کارگاههای صنعتی و ایجاد حس اعتماد و روحیه همکاری در کارگران و کارمندان و جلوگیری از هزینه های غیر ضروری و کاهش هزینه های جاری.

دخالت دادن و تشویق بخش خصوصی در سرمایه گذاری در زمینه صنعت، زیرا بخش خصوصی جهت تحصیل منافع بیشتر و حفظ منافع خود قبل از اقدام به هر فعالیتی ابتدا تجزیه

و تحلیل هزینه - منفعت را به عمل آورده و سپس در کلیه مراحل کار نیز دقت لازم را می نماید و از حیث و میل اموال خودداری کرده و هزینه را به حداقل ممکن می رساند ( گرچه ممکن است این عمل رفاه اجتماعی را به همراه نداشته باشد که نظارت دولت بطور مستمر بر عملکرد بخش خصوصی ضروری است ).

توسعه صنایع استان و همچنین کشور احتیاج به تلاش بی وقفه ای دارد که باید همراه با توسعه کشاورزی و فعالیتهای وابسته آن باشد.

انطباق برنامه های صنعتی بر مزیت های نسبی هر منطقه و ارتقاء توان صنایع کوچک مناطق غیر برخوردار ورشته های تخصصی، با تکنولوژی های پیشرفته از طریق حمایت های ویژه ( فنی، مالی، اعتباری، آموزشی و زیربنایی ) و توسعه رشته های صنعتی اولویت دار و کمک به توسعه صنعتی مناطق توسعه نیافته استان با برقراری مکانیزم های قانونی و اجرایی کارا.

افزایش سطح تولید و رفع بیکاری در استان توجه بیشتر به سرمایه گذاری در طرح های صنعتی اشتغال زای مناسب را با توجه به ترکیب تقاضای همسایگان طلب می کند، تسریع در پروژه های در دست اجرای فولاد، پتروشیمی و سیمان کمک بزرگی به تامین این هدف است.

اصلاح نظام گمرکی، مالیاتی، تسهیلات بانکی و هزینه های مربوط به انرژی به گونه ای که مناسب ترین موقعیت برای فعالیت صنعتی و معدنی در مناطق مورد نظر فراهم گردد.

## منابع

- 1- Esfhahani Abdullah, Nusr ; The Role of Investment in Economic Development Jaukhi publishing institute, Tehran, 1970.
- 2- Rajat k.Ray. Industrialisation in India (1914 - 47) Dehli, 1971.
- 3- Rangarajan c. Strategy for Industrial Development in 80's. Oxford, 1981.
- 4- Industrial Management organisation, Method of study in factories, Tehran 1967.

۵- امین جوشقانی، حمید حیدری، حسن مظفریان، علی حسین زاویه، بررسی امکانات توسعه صنعتی استان خراسان (جلد اول و دوم)، وزارت صنایع و معادن، معاونت طرحها و بررسیها، اداره کل اقتصادی صنعتی و معدنی، اداره عمران ناحیه، ۱۳۵۰.

- ۶- سازمان برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی. فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۶۶-۱۳۶۲) جلد دوم، بخشهای تولیدی، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، تهران ۱۳۶۲.
- ۷- وزارت صنایع، اهداف و سیاست کمی و کیفی بخش صنعت (۶۶-۱۳۶۲)، تهران ۱۳۶۲.
- ۸- دکتر ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران.
- ۹- توسعه صنعتی سالم، ترجمه غلامرضا کیانپور.
- ۱۰- بولتن انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران ۳/۴/۱۳۷۰ (صنعت و مطبوعات).
- ۱۱- سیمای صنعت استان خراسان سال ۱۳۶۷.
- ۱۲- توسعه اقتصادی گذشته و حال، ترجمه محمود نبی زاده.
- ۱۳- توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه گیتی اعتماد.
- ۱۴- سمینار بررسی موانع رشد و توسعه صنعتی منطقه تربت جام- تایباد دی ماه ۱۳۷۱.
- ۱۵- خلاصه تحولات اقتصادی کشور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰.
- ۱۶- نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور ۱۳۷۰.
- ۱۷- نشریات وزارت صنایع و معادن ایران.
- ۱۸- نشریات مرکز آمار ایران.
- ۱۹- آمار نامه استان خراسان ۱۳۶۹، ۱۳۷۰.
- ۲۰- نشریات اداره کل صنایع استان خراسان.
- ۲۱- نشریات اداره کل کشاورزی استان خراسان.
- ۲۲- مقالات اولین سمینار بررسی مسائل اقتصادی خراسان.
- ۲۳- روزنامه قدس.
- ۲۴- روزنامه اقتصاد خراسان.